



An Approach to the Compatibility of Trust and Recommendation to Work in Nahj al-Balagha

Morteza Hasaninasab ^{a*}, Abolhasan Purqorbanizade Badamuye ^b, Ali Gholami ^c

^a Assistant Professor, Islamic Studies Department, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^b Postdoctoral Researcher, Islamic Studies Department, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

^c Assistant Professor, Family Department, Faculty of Law and Jurisprudence, Baqir al-Olum University, Qom, Iran

KEYWORDS

Imam Ali (AS), Nahjul-Balagha, trust, recommendation to work, effort

Received: 12 June 2025;

Accepted: 22 July 2025

Article type: Research Paper

DOI: 10.22034/thr.2025.2063606.1118

ABSTRACT

One of the fundamental issues in Islamic societies is the interaction between *tawakkul* (trust in God), a theological and doctrinal concept, and the recommendation to engage in work. Some perspectives interpret *tawakkul* as abandoning effort and passively awaiting divine provision, whereas others view it as a motivational force for striving and economic activity. This study aims to examine the compatibility between *tawakkul* and the recommendation to work in *Nahjul-Balagha*. The research employs a qualitative content analysis method, examining the sermons, letters, and aphorisms of *Nahjul-Balagha*. The central question is how the concept of *tawakkul* in *Nahjul-Balagha* aligns with the encouragement to work, divine destiny, and self-sufficiency. The hypothesis proposes that Imam Ali (AS) does not regard *tawakkul* as contradictory to effort; rather, he presents it as a stimulus for work and self-reliance. Moreover, the concept of divine destiny in *Nahjul-Balagha* is not interpreted as fatalism, but as a framework for intelligent effort and the utilization of available opportunities. The findings indicate that Amir al-Mu'minin (AS), in his guidance, considers work and economic effort a divine obligation and introduces *tawakkul* as a source of endurance in the face of hardship. A review of *Nahjul-Balagha* reveals that Imam Ali's (AS) emphasis on effort and self-sufficiency is grounded in a semantic framework where *tawakkul* functions as a motivational and sustaining force along the path of striving. Ultimately, the teachings of Imam Ali (AS) offer a comprehensive model for the interaction between human effort, divine destiny, and trust in God—one that fosters social justice and economic independence within society.

* Corresponding author.

E-mail address: M-Hasaninasab@araku.ac.ir

©Author





رهیافتی بر سازگاری توکل و توصیه به کار در نهج‌البلاغه

مرتضی حسنی نسب^{الف}، ابوالحسن پورقربانی زاده باداموئیه^ب، علی غلامی^ج

^{الف} استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، M-Hasaninasab@araku.ac.ir

^ب پژوهشگر پسادکتر، گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران،

abolhasanpourghorbani22@gmail.com

^ج استادیار، گروه خانواده، دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران، ali.qolami27@gmail.com

چکیده	واژگان کلیدی
<p>یکی از مسائل اساسی در جوامع اسلامی، چگونگی تعامل میان توکل (که یکی از مسائل اعتقادی و کلامی است) و توصیه به کار است. برخی دیدگاه‌ها، توکل را به معنای ترک تلاش و انتظار منفعلانه برای دریافت روزی الهی تلقی کرده‌اند، درحالی‌که از دیدگاه دیگر، توکل نیرویی انگیزشی برای تلاش و فعالیت اقتصادی است. این پژوهش با هدف بررسی چگونگی سازگاری میان توکل و توصیه به کار در نهج‌البلاغه انجام شده است. روش این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است که در آن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه بررسی شده‌اند. سؤال پژوهش این است که چگونه مفهوم توکل در نهج‌البلاغه با توصیه به کار، تقدیر الهی و خودکفایی سازگار است؟ فرضیه پژوهش این است که امام علی (ع) توکل را نه تنها متضاد با تلاش نمی‌داند، بلکه آن را محرکی برای کار و خودکفایی معرفی کرده‌اند. همچنین، مفهوم تقدیر الهی در نهج‌البلاغه نه به معنای جبر، بلکه به‌عنوان بستری برای تلاش هوشمندانه و استفاده از فرصت‌های موجود تفسیر شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که امیرالمؤمنین (ع) در توصیه‌های خود، کار و تلاش اقتصادی را وظیفه‌ای الهی دانسته و توکل را پشتوانه‌ای برای استقامت در برابر دشواری‌ها معرفی کرده‌اند. بررسی متون نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که تأکید امام علی (ع) بر تلاش و خودکفایی، مبتنی بر نظام معنایی‌ای است که در آن، توکل به‌عنوان پشتوانه‌ای برای افزایش انگیزه و استقامت در مسیر تلاش معرفی شده است. درنهایت، آموزه‌های امام علی (ع) الگویی کامل از تعامل میان تلاش انسانی، تقدیر الهی و توکل ارائه می‌دهند که موجب تحقق عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی در جامعه می‌شود.</p>	<p>امام علی (ع)، نهج‌البلاغه، توکل، توصیه به کار، تلاش</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱ مقاله علمی پژوهشی</p>

۱. مقدمه

توکل به خداوند یکی از آموزه‌های قرآن و حدیث است؛ تا آنجا که تبدیل به یکی از باورهای کلامی مسلمانان شده است. برخی از دیدگاه‌ها، توکل را مترادف با ترک تلاش و واگذاری کامل امور به تقدیر الهی می‌دانند، درحالی‌که در آموزه‌های نهج‌البلاغه، توکل به‌عنوان نیرویی برای انگیزه‌بخشی به تلاش، کار و خودکفایی معرفی شده است. در تمامی ادیان الهی، به‌ویژه اسلام، مفاهیمی همچون توکل و تلاش به‌عنوان اصول اساسی زندگی انسان معرفی شده‌اند. از سوی دیگر در نهج‌البلاغه به انجام و فعالیت تأکید بسیاری شده که به‌عنوان یک فرهنگ مطرح است. اکنون چگونه

می‌توان میان باور مذکور و توصیه‌های نهج‌البلاغه درباره فرهنگ کار و تلاش جمع کرد؟ همچنین این پرسش مطرح بوده که آیا توکل به معنای رها کردن تلاش و چشم‌انتظار بودن برای کمک‌های الهی است، یا اینکه توکل خود نیرویی محرک برای تلاش و فعالیت‌های مادی و معنوی محسوب می‌شود؟ این سؤال، یکی از چالش‌های مهم در فهم صحیح از تعالیم دینی در ارتباط با کار و مسئولیت فردی و اجتماعی است. در این میان، ارتباط میان تقدیر الهی و تلاش انسانی نیز از دیگر چالش‌های فکری بوده که نیاز به بررسی عمیق دارد.

در جوامعی که کار و تلاش ارزش کمتری پیدا کرده و توکل بهانه‌ای برای انفعال شده است، فهم صحیح رابطه میان این مفاهیم از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. پرسش اصلی پژوهش آن است که آیا در نهج‌البلاغه، توکل با توصیه به کار، تقدیر الهی و خودکفایی در تضاد است یا مکمل یکدیگرند؟ فرض بر این است که امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، توکل را به‌عنوان عاملی برای تقویت تلاش انسانی معرفی کرده و تأکید کرده‌اند که تقدیر الهی به معنای جبر مطلق نیست، بلکه چارچوبی است که انسان در آن با اختیار خود مسیر تلاش و پیشرفت را تعیین می‌کند. نهج‌البلاغه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متون اسلامی که شامل سخنان، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع) است، دیدگاه عمیقی درباره این مسئله ارائه می‌دهد. امام علی (ع) در جای‌جای این اثر گران‌سنگ، بر اهمیت تلاش و کوشش در کنار توکل به خداوند تأکید دارند و بیان می‌کنند که فردی که به خداوند توکل دارد، هرگز نباید از مسئولیت‌های خود در قبال کار و معیشت شانه خالی کند. در یکی از خطبه‌های ایشان آمده است: «هیچ انسانی بدون تلاش و عمل به موفقیت نمی‌رسد و توکل به خداوند نیز بدون حرکت و تلاش، بی‌معنا خواهد بود». (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶)

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی، به بررسی گزاره‌های مرتبط در نهج‌البلاغه پرداخته و تلاش دارد نشان دهد که چگونه امام علی (ع) با رویکردی واقع‌بینانه، میان این مفاهیم پیوند برقرار کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در اصلاح نگرش‌های نادرست درباره کار، تلاش، توکل و تقدیر الهی در جوامع اسلامی نقش مؤثری ایفا کند. یکی از مسائل مهم در جوامع اسلامی، چگونگی ارتباط میان توکل و توصیه به کار است. برخی برداشت‌ها، توکل را به معنای ترک اسباب مادی و عدم تلاش تلقی کرده‌اند، در حالی که از دیدگاه دیگر، توکل می‌تواند نیرویی انگیزشی برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی باشد. این پژوهش با هدف بررسی چگونگی سازگاری میان توکل و توصیه به کار در نهج‌البلاغه انجام شده است.

روش این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است که در آن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های نهج‌البلاغه بررسی شده‌اند. سؤال پژوهش این است که چگونه مفهوم توکل در نهج‌البلاغه با توصیه به کار سازگار است؟ و اینکه آیا توکل به معنای چشم‌پوشی از برنامه‌ریزی، مدیریت و تدبیر است یا بالعکس، می‌تواند به‌عنوان انگیزه‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی تلقی شود؟ فرضیه این پژوهش این است که توکل در نهج‌البلاغه نه تنها با کار و تلاش منافاتی ندارد، بلکه مکمل آن است و امام علی (ع) بر اهمیت تلاش و خودکفایی تأکید کرده‌اند.

در این پژوهش، سعی شده است با بررسی دقیق متن نهج‌البلاغه، به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه مفهوم توکل در نهج‌البلاغه با توصیه به کار سازگار است؟ و اینکه آیا توکل به معنای چشم‌پوشی از برنامه‌ریزی، مدیریت و تدبیر است یا بالعکس، می‌تواند به‌عنوان انگیزه‌ای برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی تلقی شود؟ فرضیه این پژوهش این است که توکل در نهج‌البلاغه نه تنها با کار و تلاش منافاتی ندارد، بلکه مکمل آن است و امام علی (ع) بر اهمیت تلاش و خودکفایی تأکید کرده‌اند.

۲. نگاه امام علی (ع) به کار: ضرورت تولید، تجارت و مسئولیت اقتصادی

در نظام فکری اسلام، کار و کسب مشروع نه تنها یک ضرورت زندگی، بلکه یک فضیلت دینی و اخلاقی محسوب می‌شود. امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های اسلامی در زمینه تربیت اخلاق حرفه‌ای و مدیریت اقتصادی، همواره به نقش برجسته‌ای کار در استقلال فردی، رفاه جامعه و سعادت معنوی اشاره کرده است. امام علی (ع) در نگاه خود به کار، تجارت و صنعت، ترکیبی از ارزش‌های معنوی، اخلاقی و اجتماعی را مطرح کرده‌اند. ایشان کار را نه تنها وسیله‌ای برای گذران زندگی، بلکه سبکی اخلاقی و راهی برای استقلال شخصی و رشد جامعه می‌دانند. همراه با این، امام (ع) از اعمال ناعادلانه مانند احتکار و گران‌فروشی جلوگیری می‌کنند و بر عدالت، امنیت و احترام در بازار و محیط کار تأکید می‌ورزند. این دیدگاه‌ها، الگویی الهام‌بخش برای مدیریت اقتصادی و اجتماعی در جوامع امروزی است و می‌تواند به عنوان یک منبع غنی از اندیشه‌های اسلامی در حوزه اقتصاد، مدیریت و اخلاق کاری مورد استفاده قرار گیرد. این مجموعه نصوص، نشان‌دهنده این است که اسلام و به ویژه امام علی (ع) به کار و کسب نه تنها به عنوان یک ضرورت، بلکه به عنوان یک فضیلت اخلاقی و اجتماعی نگاه داشته‌اند.

در نصوص موجود از امام علی (ع)، ارزش کار و تلاش برای گذران زندگی، به شکلی عمیق و چندبعدی مطرح شده است. ایشان می‌فرمایند: «وَلَكِنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغُ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ» «باید کوشش تو در آبادانی زمین بیش از کوشش در گردآوری خراج باشد» (دستی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۲؛ نهج البلاغه، نامه ۵۳). این بیان نشان‌دهنده اولویت قائل شدن امام (ع) نسبت به توسعه اقتصادی و عمران زمین نسبت به درآمدهای کوتاه مدت است. این رویکرد نشان می‌دهد که در نگاه اسلام، توسعه انسانی و اقتصادی، مهم‌تر از جمع‌آوری منابع مالی بدون توجه به تأثیرات اجتماعی و اقتصادی است.

امام علی (ع) در مورد اهمیت کار به عنوان یک راه برای رسیدن به مقام و منزلت اجتماعی می‌فرمایند: «مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يَسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ» «کسی که کارش او را به جایی نرساند، خاندان و شهرت فامیلی اش او را به جایی نخواهد رساند» (دستی، ۱۳۸۹، ص ۴۴۶؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۳). این جمله، ارزشمندی فردی را نسبت به تلاش و کار برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که در نگاه اسلام، منزلت اجتماعی به ثروت، خاندان یا موقعیت اجتماعی نیست، بلکه به تلاش، عمل و کار فرد بستگی دارد. این نگاه، مساوات اجتماعی را تقویت می‌کند و انگیزه فردی برای کار و تلاش را افزایش می‌دهد.

امام علی (ع) ضمن تشویق به کار، اهمیت کیفیت کار را نیز برجسته می‌کنند: «لَا تَطْلُبْ سُرْعَةَ الْعَمَلِ، وَاطْلُبْ تَجْوِيدَهُ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَسْأَلُونَ فِي كَمِّ فَرَعٍ مِنَ الْعَمَلِ، إِنَّمَا يَسْأَلُونَ عَنِ جَوْدَةِ صَنْعَتِهِ» «در پی سرعت در انجام کار نباش، بلکه به کیفیت توجه کن؛ به گونه‌ای که مردم نپرسند کار در چند روز انجام شده است، بلکه درباره نیکی و دقت کار سؤال کنند» (نهج البلاغه، حکمت ۴۸۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۹۵۹، ص ۲۶۷). این دیدگاه، نشان‌دهنده این است که امام علی (ع) کار را تنها به عنوان یک امر اقتصادی نمی‌دیدند، بلکه به آن به عنوان یک فضیلت اخلاقی و اجتماعی نیز نگاه داشته‌اند. این نگاه، بهره‌وری و اعتبار اقتصادی را در جامعه ارتقاء می‌دهد.

امام علی (ع) در بسیاری از سخنان خود، اهمیت کار و کسب مستقل را برجسته کرده‌اند و آن را راهی برای استقلال شخصی و منزلت اجتماعی دانسته‌اند. ایشان معتقدند: «وَلَكِنْ نَظَرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغُ مِنْ نَظَرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ

الْخَرَاجِ» (ولکن نظرت در آبادانی زمین بالاتر از نظرت در جمع‌آوری خراج است) (دشتی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۱۲، نهج‌البلاغه نامه ۵۳). این دیدگاه، اولویت توسعه اقتصادی و عمران زمین را نسبت به درآمدهای کوتاه‌مدت برجسته می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که در نگاه اسلام، توسعه انسانی و اقتصادی، مهم‌تر از جمع‌آوری منابع مالی بدون توجه به تأثیرات اجتماعی و اقتصادی است.

در نگاه اسلام، منزلت اجتماعی به ثروت، خاندان یا موقعیت اجتماعی نیست، بلکه به تلاش، عمل و کار فرد بستگی دارد. امام علی (ع) درباره ارزشمندی کار برای شخصیت انسان می‌فرماید: «مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يَسْرِعْ بِهِ نَسْبُهُ» «کسی که کارش او را به جایی نرساند، خاندان و شهرت فامیلی اش او را به جایی نخواهد رساند» (نهج‌البلاغه حکمت ۲۳؛ دشتی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۴۶). همچنین امام علی علیه‌السلام در مورد ارزش آدمی می‌فرماید: «إِنَّمَا الْغِزُّ لِمَنْ عَزَّ بِاللَّهِ، وَالذُّلُّ لِمَنْ ذَلَّ بِاللَّهِ» «ارزش آدمی به همت او است، نه به دارایی اش» (آمدی، ۱۳۶۰ش، ص ۱۳۴۳). این دیدگاه، نشان می‌دهد که در نگاه اسلام، انسان از طریق تلاش و کار خود، ارزشمند می‌شود، نه از طریق دارایی و ثروت. این نگاه، به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و متوازن کمک می‌کند.

همچنین امام علی (ع) به مردم یادآوری می‌کند که کار، عار نیست. در نگاه اسلام، افتخار انسان به کار کردن است، نه به درخواست کمک از دیگران. این دیدگاه، فرهنگ کار را در جامعه تقویت می‌کند و به انسان‌ها انگیزه استقلال اقتصادی می‌دهد. «يَقُولُ النَّاسُ: إِنَّ الْعَمَلَ لَكَ عَيْبٌ، وَإِنَّمَا الْعَيْبُ الْعَيْبُ أَنْ تَسْأَلَ النَّاسَ» «مردم می‌گویند: کار کردن برای تو، عیب است، در حالی که عیب آن است که انسان از مردم دست دراز کند» (جرداق، ۱۳۷۶: ۱۷۲). امام علی (ع) ضمن تشویق به کار، اهمیت کیفیت کار را نیز برجسته می‌کنند: «لَا تَطْلُبْ سُرْعَةَ الْعَمَلِ، وَاطْلُبْ تَجْوِيدَهُ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَا يَسْأَلُونَ فِي كَمِّ فَرْعٍ مِنَ الْعَمَلِ، إِنَّمَا يَسْأَلُونَ عَنِ جَوْدَةِ صَنْعَتِهِ» «در پی سرعت در انجام کار نباش، بلکه به کیفیت توجه کن؛ به گونه‌ای که مردم نپرسند کار در چند روز انجام شده است، بلکه درباره نیکی و دقت کار سؤال کنند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۸۸؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۹۵۹، ص ۲۶۷). این دیدگاه، نشان‌دهنده این است که امام علی (ع) کار را تنها به‌عنوان یک امر اقتصادی نمی‌دیده‌اند، بلکه به آن به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و اجتماعی نیز نگاه داشته‌اند. این نگاه، بهره‌وری و اعتبار اقتصادی را در جامعه ارتقاء می‌دهد (برای اطلاعات بیشتر ن. ک به: مجیدی و مقری: ۱۳۹۳، ص ۱۰۳ و ۱۰۴).

امام علی (ع) کار کردن برای گذران زندگی را به مجاهدت در راه خدا تشبیه کرده‌اند: «مَنْ طَلَبَ الرِّزْقَ لِعِيَالِهِ كَانَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَالْمُجَاهِدِ» «کسی که به دنبال روزی حلال برای خودش و خانواده‌اش باشد، مانند مجاهد راه خدا است» (عطاران طوسی، ۱۳۸۵، ص ۴۰). این بیان، ارزش معنوی کار را برجسته می‌کند و آن را به‌عنوان یک نوع عبادت و راهی برای قرب به خدا معرفی می‌کند. همچنین این موضوع، کار را به یک فضیلت اخلاقی و معنوی تبدیل می‌کند. در روایاتی از ایشان، اطمینان داده شده که کارهای دستی و خانگی نیز از ارزش خاصی برخوردارند. یکی از بانوان عصر امام (ع) نقل می‌کند: روزی امام (ع) مرا دید و پرسید: چه می‌کنی؟ عرض کردم: مشغول ریسندگی هستم. ایشان مرا تشویق کرد و فرمود: «از حلال‌ترین کارها است.» بنابراین، کار و تلاش از دیدگاه امام علی (ع) ارزش و اهمیت خاصی دارد و همه انواع کارها را شامل می‌شود تا از جامعه فقرزدایی شود (جبرئیلی: ۱۳۸۴، ۸۰ - ۸۴).

۳. مفهوم توکل در نهج البلاغه

توکل در لغت به معنای اعتماد کردن و پناه گرفتن است (جرجانی، ۱۳۷۵ ق، ص ۶۲) و در اصطلاح عرفان و تصوف اسلامی، به معنای اعتماد کامل به خداوند و مأیوس شدن از یاری‌های مردم تعریف شده است. همچنین برخی آن را «واگذار کردن امر به تدبیر خداوند، وکیل دارای اختیار مطلق، با اعتماد بر کفایت او در تأمین روزی و نیازها» دانسته‌اند (آملی، ۱۳۸۰، ص ۸۳). این مفهوم در قرآن کریم به‌عنوان یکی از فضایل ایمانی برجسته مطرح شده و عموم مؤمنان به آن دعوت شده‌اند: «وَ عَلَی اللّٰهِ فَلِیَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (سوره ابراهیم، آیه ۱۲). خداوند خود را بهترین وکیل معرفی می‌کند: «نِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران، ۱۷۳) و می‌فرماید: «وَ مَنْ یَتَوَكَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق، ۳۲)، یعنی هر کس به خدا توکل کند، خداوند برای او کافی خواهد بود.

در منابع کلامی و عرفانی اسلامی نیز توکل جایگاه والایی دارد. ابن عربی، عارف بزرگ صوفی، توکل را سپردن همه امور به خدا و آرامش دل بر وکالت او می‌داند (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۷۵). همچنین در متون شیعه، به‌ویژه در نهج البلاغه، توکل به‌عنوان یک مقام اخلاقی-عرفانی مطرح است. امام علی (ع) در خطبه‌ای می‌فرماید: «أَتَوَكَّلُ عَلَی اللّٰهِ تَوَكَّلِ الْإِنْبَاءَ إِلَیْهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱)، یعنی توکل من بر خدا، توکلی است که نشانه بازگشت کامل به سوی اوست. این توکل تنها شامل مواردی است که اسباب آن در اختیار انسان نیست و تنها خدا قادر به فرایند و تحقق آن است. همچنین امام (ع) می‌فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَی اللّٰهِ كَفَاهُ» (نهج البلاغه، خطبه ۹۰) و در مناجات و دعاهای خود می‌گوید: «وَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَیْهِ فَقَدْ اهْتَدَى» (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۸۴)، یعنی هر کس به خدا توکل کند، راه خود را یافته است.

علاوه بر این، ارتباط عمیقی بین توکل و یقین وجود دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «مِنْ حُسْنِ التَّوَكُّلِ یُسْتَدَلُّ عَلَی حُسْنِ الْیَقِیْنِ» (آمدی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۲۲۴)، یعنی از توکل نیکو می‌توان به یقین محکم استدلال کرد؛ بنابراین، توکل در اسلام و نهج البلاغه تنها بعد اخلاقی ندارد، بلکه دارای بعد وجودی، روحانی و عملی است و نشانه‌ای از انابت به خداوند و یقین به قدرت بی‌همتا اوست (برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: قنبری، ۱۳۸۹، ص ۶۳-۶۵).

۴. تحلیل محتوای کیفی نهج البلاغه درباره رابطه توکل و توصیه به کار

یکی از روش‌های مهم برای درک آموزه‌های دینی و اجتماعی نهج البلاغه، تحلیل محتوای کیفی این متن ارزشمند است. نهج البلاغه به‌عنوان مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امام علی (ع)، سرشار از تعالیمی است که به تبیین اصول زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد. در این میان، دو مفهوم اساسی یعنی «توکل و توصیه به کار» جایگاه ویژه‌ای دارند.

از یک‌سو، توکل به‌عنوان یکی از پایه‌های اعتقادی در آموزه‌های اسلامی مطرح شده و به معنای اعتماد و اتکای قلبی به خداوند در کنار بهره‌گیری از عقل و تلاش انسانی است. از سوی دیگر، فرهنگ کار به‌عنوان عاملی بنیادین برای پیشرفت و توسعه فردی و اجتماعی شناخته می‌شود که در آموزه‌های امام علی (ع) به‌شدت مورد تأکید قرار گرفته است.

با این حال، برخی تصورات نادرست درباره این مفاهیم باعث شده که گاهی توکل به معنای ترک تلاش و انتظار منفعلانه برای دریافت رزق و روزی تلقی شود. این در حالی است که امام علی (ع) در نهج البلاغه، رویکردی کاملاً

متفاوت ارائه کرده و توکل را نه به عنوان مانعی در برابر کار، بلکه به عنوان نیرویی تقویت کننده برای تلاش و پشتکار معرفی می کنند. ایشان با تأکید بر ارزش کار و تلاش، بر این نکته اشاره دارند که توکل واقعی درگرو انجام مسئولیت های فردی و اجتماعی است و هیچ گونه سستی و تنبلی در سایه توکل قابل توجیه نیست.

در این بخش، به بررسی و تحلیل محتوای کیفی نهج البلاغه در زمینه رابطه میان توکل و توصیه به کار پرداخته خواهد شد. برای این منظور، ابتدا جایگاه توکل در بیانات امام علی (ع) تبیین شده و سپس ارتباط آن با تلاش و فعالیت اقتصادی بررسی می شود. در ادامه، نمونه هایی از توصیه های امام علی (ع) درباره اهمیت کار و خودکفایی آورده شده و این آموزه ها با رویکردی تحلیلی مورد بررسی قرار می گیرد. هدف از این پژوهش، نشان دادن تعامل میان توکل و کار و اصلاح نگرش های نادرست درباره این مفاهیم در جامعه اسلامی است.

۱.۴. توکل و تلاش انسانی

توکل در نگاه امام علی (ع) نه تنها به معنای واگذاری امور به خداوند، بلکه نوعی از تقویت اراده و همت برای تلاش بیشتر در زندگی است. در بسیاری از سخنان امام علی (ع)، تلاش انسانی در کنار توکل مورد تأکید قرار گرفته است و این دو نه تنها در تضاد با یکدیگر نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. امام (ع) می فرماید: «وَأَعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنَّ الرُّزُقَ رِزْقَانِ، رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ: روزی دو گونه است: یکی آن که تو در پی آنی و دیگری آنکه او در پی توست». (نهج البلاغه، نامه ۳۱) انسان وظیفه دارد برای کسب روزی و تأمین معاش خود تلاش کند، اما در نهایت نتیجه را به خداوند بسپارد. در یکی دیگر از بیانات، امام علی (ع) تصریح می کند که انسان برای دستیابی به جایگاه مطلوب اقتصادی و اجتماعی، ناگزیر از کار و تلاش است؛ اما در کنار این تلاش، نباید دچار استرس و اضطراب مفرط شود، بلکه باید بر توکل به خداوند نیز تکیه کند: «الْعِنَى الْأَكْبَرُ الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ: برترین بی نیازی آن است که از آنچه در دست مردم است چشم پیموشی و مأیوس باشی» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۲). این دیدگاه، در واقع، ترکیبی از تلاش مداوم و آرامش درونی ناشی از اعتماد به خداوند است.

در تحلیل این بیانات، مشخص می شود که امام علی (ع) میان تلاش فردی و اتکا به خداوند پیوندی عمیق برقرار کرده است. این پیوند به معنای آن است که انسان وظیفه دارد با تمام توان خود برای پیشرفت تلاش کند، اما در عین حال نباید دچار غرور و اتکای صرف به توانایی های خود شود. بلکه باید همواره در نظر داشته باشد که نتیجه نهایی در اختیار خداوند است. این آموزه می تواند در حل بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی مؤثر باشد، چراکه از یک سو به تشویق تلاش و کوشش می پردازد و از سوی دیگر، از اضطراب و نگرانی های بی مورد جلوگیری می کند.

بر اساس این تحلیل ها، روشن می شود که در نهج البلاغه، توکل و تلاش انسانی در یک مسیر واحد قرار دارند و فردی که به خداوند توکل دارد، بیش از پیش تلاش می کند، چراکه می داند این تلاش، مورد حمایت و هدایت الهی قرار خواهد گرفت. امام علی (ع) می فرماید: «روزی دو گونه است: یکی آن که تو در پی آنی و دیگری آن که او در پی توست». (نهج البلاغه، نامه ۳۱) این روایت نشان می دهد که توکل به معنای ترک تلاش نیست، بلکه انسان باید در حد توان خود برای معیشت و کار تلاش کند و در عین حال به تقدیر الهی نیز ایمان داشته باشد.

۲.۴. ارتباط بین تدبیر، عقلانیت و توکل

در فهم صحیح از زندگی و روابط آن، انسان مسئولیت پذیر باید با بهره گیری از دانش، عقل و خرد، در تمام امور

زندگی برنامه‌ریزی کند و تدبیر به خرج دهد. تدبیر، یکی از نمادهای برجسته استفاده صحیح از عقل است که اسلام به‌شدت از آن حمایت کرده و به انسان توصیه کرده است تا در همه امور، به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌های مهم، مدیرانه عمل کند. همچنین امام علی علیه‌السلام بر عقل تأکید فراوان دارد بیان می‌دارد که هر صفت اخلاقی که باعث خمودی عقل می‌شود، از دیدگاه ایشان مطلوب نیست؛ بلکه باعث نقض غرض خداوند از ارسال پیامبران و فرستان کتاب‌های الهی می‌شود. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «خداوند در میان مردمان پیامبران را برانگیخت تا عقل‌های پنهان را بیرون آورده، به کار اندازند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱). البته بایستی بیان داشت که تدبیر و هوشمندی می‌تواند در حدود تقدیر الهی مؤثر باشد. امام علی (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرماید: «تَذِلُّ الْأُمُورُ لِلْمَقَادِيرِ، حَتَّى يَكُونَ الْحَتْفُ فِي التَّدْبِيرِ»؛ یعنی امرها سرانجام تسخیر قضاوت‌های الهی می‌شوند و گاه مرگ نیز در خود تدبیر است. (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶) این سخن نشان می‌دهد که گاهی اوقات انسان برای دستیابی به منافع و جلوگیری از مضرات، طرح‌های دقیقی می‌کشد و با تمام هوش و خرد خود عمل می‌کند، اما سرنوشت به‌گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. این موضوع انسان را متوجه حضور دست قدرتمندی می‌کند که پشت سر این همه اسباب و علل وجود دارد. هدف از این نوع اتفاقات، آن است که خداوند، انسان را از غفلت بیدار کند و غرور و خودباوری بیجا را از دل او بیرون کشد. این مطلب یادآوری می‌کند که انسان باید با تمام توان تدبیر کند، اما نباید از لطف و عنایت خداوند غافل شود.

با توجه به آیه ۳۹ سوره نجم که آمده است: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ یعنی هر فرد تنها از آنچه تلاش کرده بهره‌مند می‌شود، بایستی بیان داشت تلاش و کوشش انسان پیش‌شرط رسیدن به توفیقات زندگی است؛ بنابراین، انسان نباید از تلاش و تدبیر دست بردارد و تمام مسئولیت‌ها را به تقدیر بسپارد، بلکه باید با شناخت از محدودیت‌های خود و اعتماد کامل به خالق، بین تدبیر عقلانی و توکل حقیقی تعادل ایجاد کند. در کلام امام علی علیه‌السلام نیز آموزه تدبیر، از جمله مواردی است که امام (ع) بر آن تأکید داشته است. ایشان می‌فرمایند: «التَّدْبِيرُ قَبْلَ الْعَمَلِ يَوْمُئِذٍ مِنَ النَّدَمِ: عاقبت اندیشی پیش از انجام دادن کار، تو را از پشیمانی باز می‌دارد». (کراجکی، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۳۶۷) این سخن نشان می‌دهد که تلاش بدون برنامه‌ریزی، نه تنها کارآمد نیست، بلکه ممکن است نتیجه معکوس نیز داشته باشد؛ بنابراین آموزه‌ی تدبیر را بایستی در کنار آموزه‌های توکل و تلاش در نظر داشت.

۳.۴. تقدیر الهی و نقش آن در توکل و فرهنگ کار

در دیدگاه اسلام، تقدیر الهی به‌عنوان پایه‌ای برای سرنوشت انسان‌ها مطرح است، اما این تقدیر بدون در نظر گرفتن نقش عوامل و اسباب دنیوی قابل‌فهم نیست. تقدیر الهی زمینه‌ی عمومی را فراهم می‌کند، اما تحقق آن در زندگی انسان‌ها، مستلزم تلاش، کار و توکل به خداوند است. همان‌طور که از آموزه‌های دینی استفاده می‌شود، روزی و رزق انسان به دو نوع تقسیم شده است: رزقی که به سراغ ما می‌آید و رزقی که باید خود به دنبال آن برویم. رزق محتوم، رزقی است که خداوند بدون نیاز به تلاش انسان، برای او مقدر کرده است و شامل وجود، عمر، محیط و خانواده می‌شود. این رزق از طرف خداوند تضمین شده است و همان‌گونه که در قرآن آمده: «هیچ جنبنده‌ای نیست مگر این که رزق و روزی او بر عهد خدا است» (سوره هود، آیه ۶). رسول خدا (ص) نیز می‌فرماید: «حرص حریص رزق را بیشتر نمی‌کند و تنبلی تنبل آن را کم نمی‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴، ص ۷۰)؛ اما این معیت الهی نباید مانع از تلاش و

کوشش انسان شود؛ زیرا رزق مطلوب، آن است که با سعی و عمل انسانی به دست می‌آید. امام علی (ع) می‌فرماید: «روزی بر دو قسم است: آن که تو را می‌خواهد و طالب تو است. آن که تو او را می‌جویی و مطلوب تو است» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۱). در اینجا نقش توکل و تلاش مشخص می‌شود؛ یعنی انسان باید تلاش کند و سپس نتیجه را به خداوند واگذارد.

توکل در اسلام، معنای تنبلی و عدم کوشش را ندارد، بلکه به معنای انجام وظیفه و اعتماد به خدا بعد از عمل است. ائمه معصومین (ع) نیز در زندگی خود به وضوح نشان دادند که برای کسب روزی الهی، باید تلاش کرد و زحمت پذیرفت. امام علی (ع) می‌فرماید: «کسی که برای طلب روزی خود و خانواده تلاش نماید، همانند مجاهد در راه خدا است» (ری شهری، ۱۳۶۲ ش، ج ۴، ص ۱۱۹)؛ بنابراین، تقدیر الهی به گونه‌ای است که تلاش و کوشش انسان را نیز در برمی‌گیرد و شخصی که تلاش می‌کند، روزی اش متفاوت از کسی است که تلاش نمی‌کند.

۴.۴. خودکفایی و بی‌نیازی از غیر: نتیجه تعامل توکل و کار

در مطالعه مفهوم خودکفایی و بی‌نیازی، توجه به نقش توکل به عنوان عنصر اساسی در شکل‌گیری احساس توانمندی و آرامش ضروری است. توکل، صرفاً به معنای اعتماد نداشتن به دیگران نیست، بلکه فرآیندی است درونی که فرد با ایمان و اطمینان به لطف و قدرت الهی، سعی در تقویت روحیه و اعتماد به نفس می‌کند. ره‌آورد این اعتماد در عمل، احساس طمأنینه و آرامش است که ناشی از باور به کفایت و بسندگی خداوند است. این اعتماد، فرد را به سطحی از عزت و قدرت می‌رساند که حتی در شرایط ضعف ظاهری، احساس بی‌نیازی از تکیه بر دیگران در وجودش شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که رفتار او مؤید این اعتماد عمیق است.

در آموزه‌های قرآنی، تأکید بر توکل بر خدای توانا و مهربان، به عنوان راهی برای رسیدن به توانمندی و غلبه بر عوامل ضعف، تصریح شده است. آیاتی مانند آیه ۲۱۷ سوره شعرا، (وَتَوَكَّلْ عَلَى الرَّحِيمِ؛ بر خدای توانا و مهربان توکل کن.) صفاتی همچون عزت و رحمت را در کنار هم قرار می‌دهد، به نحوی که عزت نماد قدرت و غلبه بر دشمنان و رحمت نماد نجات و حمایت خداوند است که مؤمنان در سایه آن، بی‌نیاز می‌شوند. (ر.ک به: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۲۲؛ ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۲۸۸). از این رو، توکل بر خدا، نه تنها اعتماد به قدرت لایزال است، بلکه راهی است برای دستیابی به خودکفایی و استقلال روانی و عملی. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: ال‌کوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۱۳۴؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ ش، ج ۲۲، ص ۱۱۹).

روایات معتبر اسلامی نیز بر اهمیت این تعامل تأکید دارند؛ امام علی (ع) در نقلی از رسول الله (ص) می‌فرماید که «من أحب أن يكون أقوى الناس فليتوكل على الله و من أحب أن يكون أغنى الناس فليكن بما في يد الله أوثق منه بما في يده»: هر کسی قصد دارد بی‌نیازترین و قوی‌ترین فرد در میان مردم باشد، باید اعتماد کامل به خدا داشته باشد و هر چه اعتماد فرد نسبت به آنچه در نزد خدا است، بیشتر باشد، او نیز بیشتر بی‌نیاز خواهد شد». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۷؛ فاضل هندی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۵۳۰) امام صادق (ع) در این باره فرموده است: «إِنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ، فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أَوْطَنَا: بی‌نیازی و عزت، زمانی محقق می‌شود که فرد در مقام توکل قرار گیرد و در آن جایگاه سکونت کند.» (کلینی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۶۵، ح ۳) یعنی ارتباطی عمیق میان توکل و استقلال فردی برقرار است.

بنابراین، رابطه تنگاتنگ میان توکل و کار مؤثر، موجب می‌شود فرد در فرآیند تحقق خودکفایی واقعی قرار گیرد. اعتماد قلبی و عملی به خدا، انگیزه و توان لازم برای تلاش مستمر و فعالیت‌های بی‌وقفه را فراهم می‌کند و در نتیجه، فرد نه تنها در راه رسیدن به اهداف شخصی، بلکه در مسیر کسب عزت و اقتدار اجتماعی، موفق‌تر خواهد بود. این تعامل نشان می‌دهد که بی‌نیازی واقعی، نتیجه مستقیم اتصال به سرچشمه قدرت الهی است؛ و این قدرت، تنها زمانی محقق می‌شود که فرد با نیت خالص و توکل کامل، در کنار کوشش و کار مستمر، اعتماد خود به خدا را تثبیت کند. در خاتمه، می‌توان نتیجه گرفت که خودکفایی و بی‌نیازی، نه صرفاً نتیجه تلاش فکری یا عملی صرف، بلکه محصول تعامل فعال میان کار و توکل است. این رابطه، علاوه بر تأکید بر اهمیت فعالیت فردی و کوشش مستمر، بر نقش مهم اعتماد به لطف و قدرت بی‌پایان خداوند تأکید دارد و مسیر رسیدن به بی‌نیازی پایدار را هموار می‌سازد.

۵. نتایج

بررسی آموزه‌های نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که مفهوم توکل نه تنها با کار و تلاش انسانی در تضاد نیست، بلکه مکمل آن است. امام علی (ع) در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های خود، به صورت مکرر بر اهمیت تلاش، تدبیر، خودکفایی و فعالیت اقتصادی تأکید دارند و توکل را به عنوان نیرویی معرفی می‌کنند که انسان را در مسیر تلاش استوارتر و مقاوم‌تر می‌سازد. امام علی (ع) در سخنان خود، به تبیین جایگاه توکل در مسیر کار و تلاش پرداخته‌اند. از منظر امام علی (ع)، توکل به معنای ترک مسئولیت یا رها کردن تلاش فردی نیست، بلکه فرد متوکل کسی است که وظایف خود را انجام می‌دهد، راه‌های ممکن را بررسی می‌کند و با برنامه‌ریزی دقیق و عقلانی، به سوی اهداف خود حرکت می‌کند. امام (ع) تأکید دارند که کار و تلاش فردی، همراه با اعتماد به خداوند، می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و معنوی فرد و جامعه باشد.

همچنین، یکی از نتایج مهم این پژوهش آن است که امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، مفهوم تقدیر الهی را نه به عنوان جبرگرایی، بلکه به عنوان زمینه‌ای برای تلاش آگاهانه و هوشمندانه معرفی می‌کنند. این نگرش باعث می‌شود که انسان همواره به دنبال بهبود شرایط خود باشد و با استفاده از امکاناتی که خداوند در اختیار او قرار داده، برای رسیدن به خودکفایی و استقلال اقتصادی تلاش کند. از سوی دیگر، امام علی (ع) خودکفایی را یکی از مهم‌ترین اصول زندگی فردی و اجتماعی دانسته و آن را نشانه‌ای از عزت و استقلال معرفی کرده‌اند. جامعه‌ای که افراد آن بر تلاش و تولید داخلی تکیه کنند، جامعه‌ای مستقل، قدرتمند و عزتمند خواهد بود. این آموزه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌توانند به عنوان راهکاری عملی برای اصلاح نگرش‌های نادرست درباره توکل و تقدیر الهی در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرند؛ بنابراین، آموزه‌های نهج‌البلاغه الگویی کامل از تعامل میان تلاش انسانی، تقدیر الهی و توکل ارائه می‌دهند که در آن، انسان مسئولیت خود را در قبال تلاش برای معیشت و آبادانی دنیا به عهده می‌گیرد، اما در نهایت، نتایج را به حکمت و اراده الهی می‌سپارد. این دیدگاه، نه تنها انگیزه‌بخش است، بلکه به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع اسلامی نیز کمک می‌کند.

۶. منابع

- قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید (۱۹۵۹م). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم و عیسی الجبلی، القاہرہ: بی‌نا.
۲. ابن شعبہ حرانی، الحسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳. انصاری، خواجه عبداللہ. (۱۹۸۱م). منازل السائرین. به کوشش عبدالغفور روان فرهادی. تهران: نشر مولی.
۴. آلوسی، محمود بن عبداللہ. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن (تفسیر آلوسی)، بیروت: دار الکتب العلمیہ.
۵. آمدی، محمد تیممی. (۱۳۶۰ش). به تصحیح و مقدمه میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۶. آملی، محمد شمس الدین. (۱۳۸۰ش). فرهنگ اصطلاحات و تعریفات (نفایس الفنون). به کوشش بهروز ثروتیان. تهران: نشر فردوس.
۷. جبرئیلی، محمدصفر (۱۳۸۴ش). آیین کشورداری، چاپ دوم، تهران: کانون اندیشمندان.
۸. جرجانی، میرسیدشریف. (۱۳۷۵ق). التعریفات. قاہرہ: بی‌نا.
۹. جرداق، جرج (۱۳۷۶ش). امام علی (ع)، صدای عدالت انسانی، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، چاپ سوم، قم: خرم.
۱۰. دشتی، محمد (۱۳۸۹ش). ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین (ع)، چاپ اول، قم: انتقان.
۱۱. ری شهری، محمد. (۱۳۶۲ش). میزان الحکمه، قم: نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۲. صادقی تهران، محمد. (۱۳۶۵ش). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگی اسلامی.
۱۳. طباطبائی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴ش). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۴. عطاران طوسی، علی اصغر (۱۳۸۵ش). نقش و حقوق کارکنان در سازمان‌ها از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب.
۱۵. فاضل هندی، بهاء الدین محمد بن الحسن الاصفهانی. (بی‌تا)، کشف اللثام، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۱۶. قنبری، بخشعلی. (۱۳۸۹). توکل در نهج البلاغه. دوفصلنامه اسلام پژوهی. شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۸۹ش. ص ۶۱-۸۴.
۱۷. کراجکی، محمد بن علی. (۱۳۶۹ش). کنز الفوائد. قم: دار الذخائر.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۱ق). الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دار صعب- دار التعارف.
۱۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت: نشر دار الاحیاء التراث العربی.
۲۰. مجیدی، حسن و مقری، فاطمه. (۱۳۹۳). جایگاه کار و تقسیم کار در نهج البلاغه، مجله پژوهشنامه علوی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۱۷-۹۹.
۲۱. علی بن أحمد الواحدی. (۱۴۱۵ق). الوسیط فی تفسیر القرآن المجید. تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة.